

شیوه نامه کمک به نیازمندان در سیره پیشوای دوم (ع)

گروه اندیشه – امام حسن مجتبی (ع)، به کریم اهل بیت (ع) شهرت دارند. خانه آن حضرت، برای نیازمندان و محرومان، مأمن و پناهگاه بود. امام (ع) از هیچ اقدامی برای کاستن از آلام مؤمنان در دینمندی که به آن حضرت پناه آورده بودند، فروگذار نمی کردند. روایات متعددی درباره سخاوت و کرم سبط اکبر (ع) در کتاب‌های معتبر مورخان و علمای اهل سنت و شیعه وجود دارد که گواهی بر این ویژگی اخلاقی بی نظیر امام حسن مجتبی (ع) و تلاش آن حضرت برای محرومیت‌زدایی از جامعه اسلامی است. زنده یاد مهدی پیشوایی در فصلی از کتاب «امام حسن مجتبی (ع)؛ پرچمدار صلح و آزادی» می‌نویسد: «در دین اسلام، ثروتمندان، مسئولیت سنگینی در برابر مستمندان و تهیدستان اجتماع بر عهده دارند و به حکم پیوندهای عمیق معنوی و رشته‌های برادری دینی که میان مسلمانان برقرار است، باید همواره در تأمین نیازمندی‌های محرومان اجتماع، کوشا باشند... پیشوای دوم شیعیان، امام حسن مجتبی (ع)، نه تنها از نظر علم، تقوا، زهد و عبادت؛ مقامی برگزیده و ممتاز داشتند، بلکه از لحاظ بخشش و دستگیری از بیچارگان و درماندگان نیز، در عصر خود، زبازند خاص و عام بودند. وجود گرامی آن حضرت، آرام بخش دل‌های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید در ماندگان بود.» با این حال، رویکرد امام مجتبی (ع) در رفع نیازهای نیازمندان و محرومت‌زدایی، رویکردی بدون حساب و کتاب و صرفاً بر مبنای تقاضای افراد نبود. درست است که هیچ فقیری از در خانه آن حضرت ناامید بر نمی‌گشت، اما امام مجتبی (ع) در این امداد و محرومیت‌زدایی، همیشه نکات کلیدی و مهم‌رآمد نظر قرار می‌داد که جزئیات آن در برخی روایات قابل مشاهده است.

■ یک روایت درس‌آموز

در یکی از این روایات می‌خوانیم: «روزی یکی از اصحاب رسول خدا(ص) در کنار مسجد نشسته بود. مرد فقیری از او کمک مالی خواست. آن صحابی پنج درهم به وی داد؛ مرد فقیر گفت: مرا نزد کسی راهنمایی کن که کمک بیشتری به من بکند. صحابی به سوی امام حسن مجتبی (ع)، امام حسین (ع) و عبدا... بن جعفر که در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند، اشاره کرد و گفت: نزد این چند نفر که در آن جانشسته‌اند برو و از آن‌ها کمک بخواه. مرد فقیر پیش آن‌ها رفت و اظهار مطلب کرد؛ امام مجتبی (ع) فرمود: از دیگران کمک خواستن، در سه مورد رواست؛ نخست آن که دیه‌ای به گردن انسان است و از پرداخت خون‌بها عاجز باشد؛ دوم آن که بدهکار باشد و از عهده پرداخت دین بر نیاید؛ سوم آن که فقیر و درمانده باشد و دستش به جایی نرسد؛ حال، کدام‌یک از این مسائل، برای تو پیش آمده است؟ مرد فقیر گفت: اتفاقاً گرفتاری من نیز، یکی از همین سه مسئله است و دیگر سخنی نگفت. امام حسن (ع)، ۵۰ دینار به وی داد. به پیروی از آن حضرت، امام حسین (ع) نیز، ۴۹ دینار و عبدا... بن جعفر، ۴۸ دینار به‌وی دادند. مرد فقیر، هنگام بازگشت از کنار آن صحابی گذشت. حامی رسول خدا(ص) از وی پرسید: چه کردی؟ مرد جواب داد: از تو پول خواستم، تو نیز به من پول دادی، ولی نپرسیدی پول را برای چه منظوری می‌خواهم؟ اما وقتی پیش آن سه نفر رفتم، حسن بن علی (ع)، از من سوال کرد و من هم جواب دادم و آن‌گاه، هر کدام این مقدار به من عطا کردند. عطا خنده‌ای کرد و گفت: این خاندان، کانون علم و حکمت و سرچشمه نیکی و فضیلت‌اند. نظیر آن‌ها را کی می‌توان یافت؟» در واقع امام مجتبی (ع) در کنار بخشش کریمانه خود و دستگیری از فرد نیازمند، او را مسئله مهم مذموم بودن تقاضای کمک بی‌جا، توجه داد. به دیگر سخن، آن حضرت معتقد بود که مردم نیازمند باید در حفظ کرامت انسانی خود کوشا باشند و جز در هنگام نیاز، به قرض و تقاضای کمک‌ر نیاورند.

■ بخشش‌های شگفت‌انگیز

این در حالی است که مورخان، در شرح زندگانی پرافتخار امام مجتبی (ع) بخشش کم سابقه و اتفاق‌های بسیار بزرگ و بی نظیری ثبت کرده‌اند که در تاریخ زندگی دیگر بزرگان، کمتر به چشم می‌خورد؛ آن حضرت در طول عمر با برکتش، دو بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا انفاق کرد و سه بار ثروت خود را به دو قسمت مساوی تقسیم کرد و نیمی از ثروتش را، در راه خدا انفاق فرمود. همت بلند و طبع عالی امام مجتبی (ع)، اجازه نمی‌داد کسی از در خانه آن حضرت ناامید باز گردد و گاهی که کمک مستقیم میسر نمی‌شد، به طور غیر مستقیم برای رفع نیازمندی‌های نیازمندان، کوشش می‌فرمود و با تدابیر خاصی، گره از مشکلات گرفتاران می‌گشود.

تاکه نور حسن (ع) از منزل زهرا(س) سرزد شد به ماه رمضان جلوه کر آن فیض عظیم

در سالروز ولادت سبط اکبر، امام مجتبی (ع) به مرور فرازهایی از کرامات و ویژگی‌های سیره منورّ آن امام همام، در بیان و کلام مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت پرداخته ایم

جواد نوائیان رودسری – امروز منوّر است خانه مرتضی (ع) به نور مجتبی (ع) و قلب خاتم المرسلین – که در دو پروردگار بر او باد – شادان است از ولادت فرزند ی کریم؛ کریمی که دایره کرامت او نامحدود و وسعت بزرگواری‌اش بی حد است. وقتی بنا باشد این قلم قاصر از امام مجتبی (ع) بنویسد و بازبان الکن خود، قطر هوار توصیف اقیانوس کند، چه جای نکوهش است اگر نشود آن چه که باید بشود؟ مگر می‌توان حسنِ حسن (ع) را در قالب کلماتی که از مصدر فانی انسانی صادر می‌شود، گنجانید؟ مگر می‌توان وصف کریمی را در شمار آورد که انفا س قدسی او، شفا بخش جان بیمار است و مهربانی‌اش، آرامبخش آسیمه سرانی که راه ملکوت گم کرده، در دنیای دون و گرفتاری‌های آن، سرگشته و حیرانند؟ از ولادت باسعادت آن ولی خدا، چهارده قرن می‌گذرد و برجسته‌ترین علما، مورخان و اندیشمندان جهان اسلام، با هر مذهب و اعتقادی، در نغّت او قلم‌فرسایی کرده‌ و از کراماتش، فصل‌ها پرداخته، اما هنوز یک از هزاران را بیان نکرده‌اند. با این حال، در این روز فرخنده، آن قلم‌های قاصرو دل‌های از محبت مجتبی (ع) لبریز را به شهادت گرفته ایم تا ذره‌ای از کرامات و بزرگواری او را در قالب بیان نامداران تاریخ اسلام، مورخان و محدثان ارجمند شیعه و اهل سنت، از قرن‌های پیشین و دوران معاصر، پیش روی شما سروران ارجمند قرار دهیم، تا که قبول افتد و که در نظر آید؛ التماس دعا.

■ آن‌آقای بردبار و آراسته

درباره ویژگی‌های شخصیتی آن امام همام(ع)، مطالب فراوانی در کتاب‌های معتبر علمای جهان اسلام، اعم از شیعه و اهل سنت، نقل شده است. «جلال الدین سیوطی»، مفسر و عالم برجسته قرن دهم که شافعی مذهب بود، در کتاب خود، «تاریخ الخلفاء»، امام مجتبی (ع) را این گونه وصف کرده است: «برای حسن (ع)، مناسب [شایستگی] و ویژگی‌های بسیاری است. آقای بردباری که به زبور آرا مش، و قار، و حشمت و بخشنده گی آراسته بود.» او روایتی از «محمد بن سعد»، دیگر عالم اهل سنت و صاحب اثر «طبقات الکبری»، درباره امام حسن (ع) و از قول «عمیر بن اسحاق» نقل کرده است که گفته بود: «با هیچ فردی سخن نگفتم که دوست داشتی‌تر از حسن بن علی (ع) باشد. هنگامی که سخن می‌گفت، اصلاً دوست نداشتم کلامش متوقف شود. در سراسر دوران آشنایی‌ام با او، کلامی ناسزا یا درشت از وی نشنیدم.» «احمد بن یحیی بَلاذَری» در «انساب الاشراف»، امام حسن (ع) را با عباراتی همچون «آقای بخشنده و بردبار» می‌ستاید و روایت مشهور «حسن و حسین (ع)» سرور جوانان اهل بهشت هستند» را از رسول خدا(ص) نقل می‌کند و دلیلی بر عظمت شخصیت امام مجتبی (ع) می‌داند. ابامحمد(ع) بسیار سخی و بخشنده بود. مرحوم «استاد مهدی پیشوایی» در کتاب «سیره پیشوایان»، در این باره می‌نویسد: «وجود گرامی آن حضرت، آرامبخش دل‌های دردمند، پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید در ماندگان بود. هیچ فقیری از خانه آن حضرت

درباره «سیره مکارم اخلاق فرزندان زهرا(س)» در باره مکارم اخلاق و جایگاه آن حضرت نزد رسول خدا(ص) امام حسن مجتبی (ع)، روایت و گزارش در منابع شیعه و اهل سنت، بیرون از شمار است. علاوه بر مواردی که پیشتر به آن اشاره کردیم، می‌توان به تعداد فراوانی از این روایات در کتاب‌های معتبر پرداخت. «مسلم بن حجاج نیشابوری»، محدث مشهور اهل سنت، در کتاب خود، «صحیح مسلم»، روایتی مشهور را درباره جایگاه امام حسن مجتبی (ع)، نزد

رسول خدا(ص) آورده است. او به نقل از یکی از روایان معتبر اهل سنت می‌نویسد: «رسول خدا(ص) را دیدم که حسن (ع) را در آغوش گرفته بود و می‌فرمود: بار خدایا! من حسن را دوست می‌دارم، تو نیز او را دوست بدار.» درباره جایگاه ممتاز و ویژه امام حسن (ع) نزد پیامبر گرامی اسلام(ص)، اختلافی میان دانشمندان شیعه و اهل سنت وجود ندارد. آن حضرت در دامن رسول خدا(ص) پرورش یافت؛ همان پیامبری که خداوند او را با عبارت «وَإِنَّا لَلْقَلْبِ لَخَلْقُ عَظِيمٍ» ستوده است. مورخان، خوی و منش امام حسن (ع) را همانند پیامبر اکرم(ص) توصیف کرده‌اند. «ابونعمن» در «تاریخ أصهبان»، «ابن سعد» در «ترجمة الامام الحسن (ع)» و نیز دیگر مورخان جهان اسلام، زهد و پارسایی امام مجتبی (ع) را ستوده‌اند. آن حضرت با پای پیاده، بیست بار به حج مشرف شد و می‌فرمود: «شرم دارم خداوند را در حالی ملاقات کنم که پیاده به خانه او نرفته باشم.» «باقر شریف القرشی» در کتاب ارز شمند «حياة الامام الحسن (ع)» می‌نویسد: «روایان روایت کرده‌اند که هیچ‌گاه با امام مجتبی (ع) ملاقات نمی‌کردند، مگر این که آن حضرت به ذکر خداوند مشغول بوده و وقتی به یاد عذاب و پاداش الهی می‌افتاد، و جودش را اضطراب فرامی‌گرفت و از خداوند بهشتش را مسئلت می‌کرد و از دوزخ به او پناه می‌برد. امام(ع) هنگامی که یادم‌رگمی افتاد، همچون خاکنان می‌گریست و وقتی که به نماز می‌ایستاد، و جودش مملو از خضوع و خشوع بود. آن حضرت از کسانی بود که مرگ را زیاد به یاد می‌آوردند. امام حسن (ع) هنگامی که قصد وضو می‌کرد، چهره‌اش دگرگون می‌شد و از خوف خداوند رنگ‌صورتش تغییر می‌کرد. آن حضرت بر تلاوت قرآن مداومت داشت؛ دایم در آیات آن تدبیری کرد و زمانی که آیه‌ای را تلاوت می‌کرد که در آن، خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده بود، با صدای بلند می‌فرمود: لبیک! اللهم لبیک! امام مجتبی (ع) هر شب سوره کهف را تلاوت می‌کرد.» آن حضرت تصویری روشن از مکارم اخلاقِ ارپیش روی پیروان و علاقه‌مندان خود قرار می‌داد و آن‌ها را به رعایت این موارد تشویق می‌کرد. «احمد بن اسحاق یعقوبی» در کتاب «تاریخ یعقوبی» می‌نویسد: «جابر می‌گوید، از امام حسن (ع) شنیدم که می‌فرمود: مکارم اخلاق چه چیز است، راستگویی، ناامیدی از غیر خدا، بخشش به نیازمندان، خوش اخلاقی، پاداش دادن در برابر خدمت دیگران، پیوند با خویشان، حمایت از همسایه،

اندیشه



استدلال‌های محکم از سوی پیامبر اکرم(ص)، مبنی بر این که حضرت عیسی (ع) پیامبر و بنده خداست، علمای مسیحی نجران حاضر به پذیرش حقیقت نبودند و مسیح (ع) را فرزند خدا می‌دانستند. در این هنگام، فرشته وحی بر رسول خدا(ص) نازل شد و پیام حق را به آن حضرت رساند: «مَثَل عِيسَى در نزد خدا، همچون آدم است، که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم قوری موجود شد. (بنابر این، ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست)؛ این ها حقیقتی است از جانب پروردگار تو، بنابر این، از تردید کنندگان مباش! هر گاه بعد از علم و دانستی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز بر خیزند، به آن‌ها بگو: بیاوید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت کنیم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (آیات ۵۹ تا ۶۱ سوره آل عمران – ترجمه استاد مهدی فولادوند) ظاهر آقرار مباحله رسول خدا(ص) و علمای مسیحی نجران، به روز ۲۴ یا ۲۵ ماه ذی الحجه موکول شد. همه مردم مدینه منتظر بودند تا ببینند رسول خدا(ص) چه کسانی را با خود به مراسم مباحله خواهد آورد. دبیری نگذشت که رسول خدا(ص) در حالی که حسین (ع) را در بغل گرفته بود و دست در دست حسن (ع) داشت و از سویی، دخترش فاطمه(س) و دامادش، علی (ع) هم همراهش بود، برای مباحله به سوی مسیحیان رفت. آیت‌ا... جعفر سبحانی در کتاب «فروغ ابیدیت» می‌نویسد که رهبر علمای مسیحی، پس از مشاهده پیامبر(ص)، امیرمؤمنان (ع)، حضرت فاطمه(س) و حسین (ع) از مباحله با پیامبر اسلام(ص) منصرف شد و به یارانش گفت: «من چهره‌هایی را می‌بینم که هر گاه دست به‌دعا بلند کنند و از درگاه الهی بخواهند که بزرگ‌ترین کوه‌ها را از جابکند، فوری دعای آن مستجاب می‌شود.» به همین دلیل، روبه رسول خدا(ص) کرد و گفت: «أقلنا أقال ا... عثرتک؛ از ما بگذر و ما را عفو کن، خداوند بر شما رحمت کند» و آن حضرت فرمود: «نعم، قد اقلنکم؛ آری، از شما درگذشتم.» حضور امام حسن مجتبی (ع) در کنار رسول خدا(ص) در روز مباحله، نشان‌دهنده جایگاه بی‌مانند آن حضرت نزد پروردگار متعال و پیامبر گرامی اسلام(ص) است.

■ امام مجتبی (ع) در رویداد مباحله

در سال دهم هجرت، تعدادی از علمای مسیحی که در «نجران»، منطقه‌ای در شمال عربستان، ساکن بودند، برای دیدار با پیامبر خدا(ص) و بحث و گفت‌وگوی علمی و دینی با آن حضرت، به مدینه آمدند. مباحثه میان علمای مسیحی و رسول اکرم(ص) به موضوع خلقت حضرت عیسی (ع) کشیده شد. با وجود ارائه

نور باران قبله تهران

در سالروز ولادت کریم اهل بیت (ع)

معاون امور علمی و فرهنگی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع) گفت: در ایام میلاد امام حسن مجتبی (ع) آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، حرم نواده آن امام همام، در شهر ری، قبله تهران، سراسر نور و سرور می‌شود. به گزارش ایرنا، حجت الاسلام عرفاتی با اعلام این خبر افزود: ویژه برنامه شام میلاد امام مجتبی (ع)، پنج‌شنبه ۱۷ فروردین ماه همراه با جلسه تفسیر قرآن کریم توسط مجتهد و مدحه سرایی حاج اسدا... عرب سرخی در شبستان امام خمینی (ره) از ساعت ۲۰:۳۰ شروع خواهد شد. حجت الاسلام عرفاتی گفت: به همت خیران و همکاری بخش‌های مختلف آستان مقدس، به منظور برگزاری هر چه باشکوه‌تر ویژه برنامه‌ها و جشن‌های حرم در ایام میلاد کریم اهل بیت (ع)، فضا سازی و تبلیغات محیطی و نورپردازی متناسب با ایام از دیگر اقدامات خواهد بود.



روحانیون «بلتستان»

در نمایشگاه بین‌المللی قرآن

امسال با تلاش‌های مستمری که انجام شد، جامعه روحانیت بلتستان و انجمن قرآن و معارف اهل بیت (ع) این منطقه، در سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن حضور یافت. به گزارش مهر، بلتستان، منطقه‌ای در شمال شرقی پاکستان و در ایالت گلگت بلتستان واقع شده است. بلتستان در متون اسلامی به «بُئْت خُرد» شهرت دارد. سکردو، شهر مهم و مرکز اداری – بازرگانی بلتستان است. بلتستانی‌کی از دوی بخش ایالت گلگت بلتستان را شامل می‌شود و بیشتر جمعیت آن شیعه است. در قرن هشتم قمری مذهب شیعه توسط مبلغان ایرانی به آن‌جا برده شد. مردم بلتستان بازبان بلتی و گویش محلی شینا صحبت می‌کنند. این منطقه در سال ۱۹۴۸م به پاکستان ملحق شد.

